



انتظار

در دیدگاه اهل سنت

(نقد و بررسی شبهات وارده در مسئله مهدویت)

عبدالعزیز قاضی زاده

مقدمه

از ضروری‌ترین و سازنده‌ترین مباحث، بحث از انتظار و مسایل مربوط به آن است. هر انسانی یا ملتی که با فرهنگ انتظار رابطه دارد، بیدار، زنده و متحرک است؛ زیرا انتظار ظهور منجی و این‌که جهان به خوبی و سلامت به پایان می‌رسد، روح امید را در دل‌ها زنده نگه می‌دارد؛ امیدی که موجب قیام انسان در برابر نابسامانی‌ها می‌گردد. قیامی که به رهبری عدالت‌گستر عالم، عدالت را بر جهان حاکم نموده و بساط ظلم را برخواهد چید.

یکی از مباحث مهم در عرصه مهدویت، بحث انتظار مهدی از نگاه فریقین است، زیرا این بحث می‌تواند در انسجام و وحدت اسلامی تأثیرگذار باشد. حتی اعتقاد به انتظار ظهور منجی که در همه ادیان الهی مطرح گردیده است، می‌تواند محور گفتگوی ادیان قرار بگیرد و ادیان را در پیرامون این عقیده جمع نماید که جهان سامان می‌یابد و آینده جهان رو به ناامیدی نیست و عقیده به مهدویت و منجی از ناامیدی متدینان جلوگیری می‌نماید. بنابراین عقیده به مهدویت و منجی نقطه عطفی است که ریشه در جان‌ها دارد و قادر است دل‌ها را به هم نزدیک کند زیرا همه به امید منجی چشم دوخته و این زمزمه همگان است:

عمری گذشت و ما به امید بشارتی

چشمی به آن دو گوشه ابرو نهاده‌ایم (حافظ)

در این مقاله صرفاً به موضوع انتظار مهدی از دیدگاه اهل سنت پرداخته و به شبهات مطرح شده پاسخ داده شده است.

❁ انتظار از دیدگاه اهل سنت

یکی از باورهای اعتقادی مسلمانان، ایمان به غیب است. خداوند متعال مؤمنان را به علت ایمان به غیب ستوده است.

«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»^۱

غیب اموری است که در گذشته اتفاق افتاده، و یا در آینده اتفاق می‌افتد. مسلمانان معتقدند آنچه از اخبار و وقایع گذشته که قرآن و سنت به وقوع آن‌ها خبر داده، حق و حقیقت است و به همان کیفیتی که خبر داده شده به وقوع پیوسته است مانند داستان‌های پیامبران و ملت‌های گذشته و...

و هم‌چنان از مسائل آینده مانند: نزول عیسی، خروج دجال، ظهور مهدی و... که خداوند متعال و پیامبر عظیم‌الشان (ص) به وقوع آن‌ها در آینده خبر داده‌اند همان طوری که خبر داده‌اند به وقوع می‌پیوندد و شکی در آن نیست.

مسئله مهدی^(ع) هر چند در قرآن کریم و هم‌چنین در صحیح بخاری و مسلم بدان تصریح نشده ولی از معتقدات مسلم و قطعی هر مسلمان است چون احادیث متواتری که دلالت قطعی بر ظهور مهدی دارد نقل شده است؛ و مسئله «انتظار» از جمله مسائل غیبی است که اعتقاد بدان واجب است.

اصل مسئله «انتظار» از جمله مسائل و اعتقادات مشترک بین شیعه و سنی می‌باشد هر چند در جزئیات آن اختلاف نظر وجود دارد.

در این مقاله سعی شده که موضوع «انتظار» از دیدگاه اهل سنت تحقیق و بررسی گردد و به شبهاتی که بعضی‌ها در این زمینه وارد ساخته‌اند جواب داده شود.

❁ امام مهدی از دیدگاه اهل سنت

مسئله «انتظار» و ظهور حضرت مهدی^(ع) از باورهای مهم غیبی و از معتقدات مسلم و قطعی هر مسلمان است. دلیل قطعی بودن مسئله، ثبوت احادیث فراوانی است که در حد تواتر معنوی است و بسیاری از علمای اهل سنت آن احادیث



متواتر را نقل و روایت، و یا در تألیفی مستقل آن را جمع‌آوری کرده‌اند؛ پس انکار یک مسئله از مسائل قطعی حداقل فسق و خروج از شریعت است و منکر مسائل قطعی، فاسق یا کافر می‌گردد.

قیام حضرت مهدی^(ع) از نشانه‌های بزرگ آخرت است. در حدیثی که از حضرت رسول اکرم^(ص) نقل شده چنین می‌فرماید: «اگر بیش از یک روز از دنیا باقی نماند، خداوند آن روز را طولانی می‌گرداند تا مردی از اهل بیت من، برانگیزد و زمین را پر از عدل و داد کند هم چنان‌که پر از ظلم و جور شده بود.»^۲

شیعه و سنی در نشانه‌های ظهور مهدی، رهبریت جهانی و ویژگی‌های انقلاب ایشان، تقریباً اتفاق نظر دارند؛ و تنها خلافتی که بین ایشان وجود دارد این است که: به اعتقاد شیعیان حضرت مهدی امام دوازدهم، معصوم و فرزند محمدبن حسن عسگری^(ع) است، و در سال ۲۵۵ هجری قمری به دنیا آمده، و دارای غیبت صغری بوده و هم اکنون زنده و در غیبت کبری است.

اهل سنت معتقدند که: «امام منتظر» بنا به روایات مستند از خاندان رسول اکرم^(ص) و ذریه امام حسن مجتبی^(ع) است، لقب او مهدی، نام او محمدبن عبدالله است که برای احیای دین اسلام در نزدیکی قیامت ظهور خواهد کرد. شیخ محمد سفارینی حنبلی متوفای ۱۸۸ هـ.ق در منظومه‌ای به نام «الدره‌العینه فی عقدالفرقه‌المرضیه» می‌گوید:

و ما أتى بالنص من اشراط فكله حق بلاشطاط
منها الامام الخاتم النصيح محمد المهدي و المسيح

آنچه از نشانه‌های قیامت در نص آمده، تمام آن‌ها بی‌تردید حق است، از جمله آخرین امام پندآموز، حضرت محمد مهدی، و حضرت مسیح^(ع) است. و سپس در کتاب «لوامع الأنوار البهیه و سواطع الاسرار الاثریه» شرح منظومه می‌نویسد: سخن درباره مهدی بسیار گشته تا آنجا که گفته شده هیچ مهدی نیست، مگر عیسی بن مریم، ولی اهل حق این را درست نمی‌دانند و معتقدند که مهدی غیر از عیسی است و او پیش از نزول عیسی^(ع) ظهور می‌کند و درباره قیام او روایات بسیار زیاد است و به حد تواتر معنوی رسیده و در میان علمای اهل سنت رواج یافته تا این که از باورها و معتقدات آن‌ها به شمار آمده است و با بررسی مجموعه احادیث منقول، علم قطعی درباره ظهور مهدی به دست می‌آید و روی همین اصل

اعتقاد به ظهور مهدی همان طور که در کتاب‌های اعتقادی اهل سنت و جماعت آمده، یکی از واجبات است.

❖ اخبار و احادیث مهدی^(ع)

احادیث و روایات در شأن حضرت مهدی^(ع) هم‌چنان‌که قبلاً بدان اشاره شد به حد تواتر معنوی رسیده است. بیش از ۲۵ صحابی آن را روایت کرده‌اند، و بسیاری از علمای اهل سنت در متواتر بودن آن احادیث سخن گفته‌اند، و از بزرگان و پیشوایان دین خود نقل قول کرده‌اند. مانند:

۱. علامه سیوطی جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابوبکر شافعی مصری متوفای سال ۹۱۱ هـ.ق.
۲. حافظ احمد بن علی بن حجر عسقلانی شافعی صاحب کتاب «فتح الباری شرح صحیح البخاری» متوفای سال ۸۵۲ هـ.ق.
۳. امام شمس‌الدین محمد بن احمد سفارینی حنبلی متوفای ۱۱۸۸ هـ.ق.
۴. امام محمد بن علی شوکانی صاحب تفسیر «فتح‌القدیر» و مؤلف «نیل الاوطار» متوفای ۱۲۵۰ هـ.ق.
۵. شیخ صدیق حسن قنوجی حنفی متوفای سال ۱۳۰۷ هـ.ق.
۶. شیخ محمد بن جعفر کتانی مالکی متوفای سال ۱۳۴۵ هـ.ق.

❖ کلام اهل علم درباره امام مهدی^(ع)

بسیاری از محققان و علمای اهل سنت در هر عصر از اعصار مختلف، پیرامون ظهور مهدی و احادیث متواتر آن سخن گفته‌اند. عده‌ای در تألیفات عمومی خود مسئله مهدی را ذکر کرده‌اند، و بعضی در تألیف مستقل از ظهور مهدی سخن گفته‌اند و برخی در سخنرانی و خطبه‌ها و یا در نشریات صحبت کرده‌اند. در این جا به نمونه‌هایی از سخنان علما اشاره می‌گردد:

۱. شیخ الاسلام علامه ابن تیمیه حنبلی می‌فرماید: «إن الأحادیث التي یحتج بها علی خروج المهدی احادیث صحیحه، رواها ابو داوود و الترمذی و أحمد و غیر هم من حدیث ابن مسعود و غیره»^۳
- احادیث و روایاتی که بر ظهور مهدی دلالت دارد ثابت و صحیح‌اند، آن احادیث،



- ابوداود، ترمذی، احمد و دیگران از عبدالله بن مسعود و دیگر اصحاب روایت کرده‌اند.
۲. علامه ابن‌القیم الجوزیه شاگرد ابن تیمیه در خصوص احادیث مهدی می‌فرماید: «احادیث مهدی چندر نوع است: صحیح، حسن، غریب و ساختگی» و سپس می‌افزاید: «مهدی مردی از اهل بیت رسول الله (ص) از فرزندان حسن بن علی است که در آخرالزمان ظهور می‌کند وقتی که زمین از ظلم و ستم لبریز می‌گردد. پس آن را از قسط و عدل آکنده می‌سازد.»
۳. دکتر عبدالحلیم محمود رئیس اسبق دانشگاه الأزهر مصر می‌فرماید: «خبر ظهور حضرت مهدی در نصوص صریح احادیث آمده است، آغاز ظهور حضرت مهدی از مکه مکرمه و پیش از نزول حضرت مسیح عیسی بن مریم (ع) خواهد بود»^۴
۴. شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز می‌فرماید: «امر ظهور مهدی واضح و معلوم است، احادیث در این باره به حد استفاضه و تواتر رسیده‌اند، تعداد زیادی از علما به تواتر این احادیث اذعان نموده‌اند...»^۵
۵. ابن حجر مکی معروف به هیثمی متوفای سال ۹۷۴ هـ ق در کتاب «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» می‌نویسد: «آن چه باید باور داشت همان است که احادیث صحیح به ظهور مهدی موعود دلالت دارد، و دجال را نابود می‌سازد، و حضرت عیسی بن مریم (ع) پشت سر او نماز می‌خواند، و هر جا ذکر مهدی آمد مراد اوست.»
۶. شیخ عبدالمحسن العباد از علمای معاصر در کتابی که ردّ بر شیخ عبدالله بن زید قطری نوشته است می‌گوید: احادیث فراوان درباره مهدی که مؤلفان به تألیف درباره آن پرداخته‌اند، و متواتر بودن آن را گروه بازگو کرده‌اند، و وجوب آن را اهل سنت و جماعت باور دارند، بی‌تردید بر واقعیتی ثابت دلالت دارد.
۷. علامه ابن خلدون در مقدمه خود می‌نویسد: «...در میان مسلمانان در تمام قرون، معروف بوده که مردی از خاندان پیامبر (ص) با نام مهدی ظهور خواهد کرد، و عدل و داد را در دنیا آشکار خواهد ساخت»^۶.
۸. ابن ابی‌الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه می‌نویسد: «موضوع آمدن مهدی موعود منتظر پیش از انقضای عالم، متفق علیه بین مسلمانان است»^۷.

❖ تألیفات پیرامون ظهور مهدی (عج)

علمای مسلمین از بدو تألیف که احادیث رسول الله (ص) را جمع آوری و تدوین کرده‌اند احادیث مربوط به مهدی نیز در کتاب‌های عمومی یا مستقل جمع آوری و به شرح و بسط آن از نظر روایت و درایت پرداخته‌اند، با مراجعه به فهرست چند کتابخانه بیش از صد تألیف در خصوص امام مهدی ملاحظه کرده‌ام که بعضی از کتاب‌های حدیثی و روایی از امهات کتب و مراجع موثق اهل سنت و جماعت می‌باشد که به ذکر چند کتاب بسنده می‌کنم:

۱. «عقد الدرر فی اخبار المنتظر» تألیف یوسف بن یحیی المقدسی الشافعی از علمای قرن هفتم هجری، تاریخ چاپ ۱۴۱۸ هجری قمری ۱۹۹۷ میلادی بیروت - لبنان - دارالکتاب العلمیه.
۲. «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» تألیف ابن حجر مکی هیشمی شافعی، چاپ قاهره مکتبه القرآن.
۳. «العرف الوردی فی اخبار المهدی» تألیف جلال الدین سیوطی شافعی، در جلد دوم کتاب «الحاوی للفتاوی» چاپ شده است.
۴. «الاحتجاج بالأثر علی من أنکر المهدی المنتظر» تألیف شیخ حمود تویجری از علمای نجد چاپ ریاض مکتبه دارالعلیان الحدیثه ۱۴۰۶ هجری قمری.
۵. «عقیده اهل السنه و الأثر فی المهدی المنتظر» و «الرد علی من کذب بالأحادیث الصحیحه الوارده فی المهدی». این دو کتاب تألیف شیخ عبدالمحسن العباد در یک جلد چاپ شده است چاپ مطابع الرشید. مدینه منوره ۱۴۰۲ هجری قمری.
۶. «المهدی و اشراط الساعه» تألیف شیخ محمدعلی صابونی چاپ شرکه الشهاب الجزایر ۱۴۱۰ هجری قمری.
۷. «الاشاعه لأشراط الساعه» تألیف سید محمد برزنجی شافعی متوفای ۱۱۰۳ هجری قمری، چاپ قاهره ۱۳۹۳ هجری قمری.

❖ شبهات مخالفین

به خاطر دارم زمانی که دانشجوی دانشگاه اسلامی مدینه منوره بودم، روز سه شنبه اول ماه محرم سال ۱۴۰۰ هـ ق بود که از رادیو شنیدم اشخاصی مسجد الحرام را اشغال کرده‌اند! رهبریت این حرکت را شخصی به نام جهیمان بن محمد العتبی



به عهده گرفته بود، و پس از به دست گرفتن امور مسجدالحرام شخصی به نام محمدبن عبدالله القحطانی به عنوان مهدی موعود را به حضار معرفی کرد و از مردم خواستار بیعت با او می‌شود... در پی این حادثه واکنش‌هایی در عالم اسلامی نسبت به این حرکت شنیده می‌شد از جمله واکنش شیخ عبدالله بن زید آل محمود قطری بود که کتابی به نام «لا مهدی ینتظر بعد الرسول خیرالبشر» را نوشت، وی در این کتاب «مهدویت» را به شکل مطلق انکار کرده و در این زمینه شبهاتی از نویسندگان قرن چهاردهم نقل نموده است. شیخ عبدالمحسن العباد در کتاب خود که ردّ بر آن کتاب نوشته است می‌گوید: متأسفانه شیخ عبدالله قطری چون بضاعت علمی نداشته، شبهاتی که در کتاب خود آورده از نویسندگان قرن چهاردهم امثال احمد امین و محمد فرید و جدی نقل نموده که این افراد هر چند اهل قلم و تألیفند اما تخصص حدیث‌شناسی را ندارند؛ و جای تأسف است که شیخ عبدالله از متخصصان علم حدیث امثال ترمذی، عقیلی، ذهبی، ابن تیمیه، ابن القیم، حافظ ابن حجر عسقلانی و دیگران تقلید و پیروی نکرده، و از کسانی که با علم حدیث بیگانه هستند پیروی کرده است.

در این مقاله به سه شبهه از شبهات مخالفین پاسخ خواهیم داد که در واقع جواب همه شبهات وارده می‌باشد:

شبهه اول: گفته‌اند: مهدویت ساخته و پرداخته شیعیان است و از اعتقادات ویژه آنان، ایمان به امام غائب است؛ و این اندیشه شیعی از طریق مجاورت و همسایگی، همنشینی و همدمی به اهل سنت سرایت کرده است. در پاسخ به این شبهه باید بگوییم که:

۱. طرح این شبهه از طرف هر شخص که باشد شیعه و سنی را متهم می‌سازد: شیعه را به جعل و ساختگی بودن احادیث مهدی^(ع) متهم می‌سازد، سنی را متهم می‌سازد به پیروی و تقلید از کسانی که آن احادیث را ساخته‌اند!
۲. انصاف آن است که شخص، اصل مسئله انتظار را بر حسب روایات متواتر بپذیرد و در جزئیاتی که فریقین با هم اختلاف نظر دارند با دلیل و برهان به مناقشه پردازد و اگر قدرت علمی برای مناقشه و بحث و جدل را نداشته باشد، حداقل به معتقدات دیگران احترام گذارد.

۳. با ثبوت احادیث متواتر که دلالت قطعی دارد و اعتقاد به ظهور مهدی را واجب می‌سازد چگونه می‌توان این شبهه را مطرح کرد؟!
۴. طراح شبهه، فکر کرده که مسئله انتظار نشأت گرفته از اختلاف مذاهب اسلامی است. غافل از این که مستند انتظار، فرمایشات صحیح نبوی است و در عصر رسالت صحبتی از شیعه و سنی نبوده و پیدایش مذاهب اسلامی در قرن دوم هجری بوده است.
۵. راویان احادیث مهدی^(ع) هم چنان که قبلاً به آن اشاره شد بیش از ۲۵ صحابی بوده‌اند. کدام یک از صحابی شیعه یا سنی بوده‌اند؟! که جعل این احادیث به شیعیان نسبت داده شود!

شبهه دوم: گفته‌اند: احادیث مهدی چون در صحیح بخاری و مسلم روایت نشده است ضعیف و یا مجعول (ساختگی) است، اگر حدیثی از احادیث مهدی صحیح بود، در بخاری و مسلم نیز روایت می‌شد؛ و در جواب این شبهه باید گفته شود:

جواب اول: این شبهه زمانی صدق می‌کند که امام بخاری و مسلم گفته باشند: کلیه احادیث صحیح را در کتاب خود آورده‌ایم، در صورتی که آن دو امام بزرگوار بر خلاف آن تصریح کرده‌اند و هیچ وقت ملتزم و متعهد آن نبوده‌اند که همه احادیث صحیح را در کتاب خود بیاورند و چنین ادعایی نکرده‌اند، بلکه آنچه گفته‌اند و ملتزم آن شده‌اند آن است که احادیث صحیح را در کتاب خود بیاورند، و به این گفته نیز عمل کرده‌اند و احادیث غیر صحیح حتی حسن که رتبه پایین‌تر از صحیح دارد در کتاب خود نیاورده‌اند. حافظ ابن حجر عسقلانی در مقدمه «فتح الباری» به نقل از امام بخاری می‌نویسد: «در این کتاب جز حدیث صحیح نیاورده‌ام و آنچه از حدیث صحیح در کتاب خود ذکر نکرده‌ام از احادیثی که نقل کرده‌ام بیشتر است».^۹

امام نووی در مقدمه «شرح صحیح مسلم» می‌نویسد: «کسانی که پنداشته‌اند، بخاری و مسلم ملزم به درج همه احادیث صحیح در کتابشان بوده‌اند، در اشتباهند، و این الزام منطقی نیست چون این دو امام به ضبط کلیه احادیث صحیح پایبند نبوده‌اند، بلکه خود تصریح دارند که نتوانسته‌اند کلیه احادیث را ضبط نمایند، و قصدشان این بوده که مجملی از احادیث صحیح را جمع‌آوری کنند، همچون فقیه که پاره‌ای از مسائل فقه را جمع‌آوری می‌کند، نه این که همه مسائل فقه را...»^۹



جواب دوم: حدیث صحیح، حجت و دلیل است، خواه در صحیحین باشد خواه در سایر کتب. ملاک حجت، صحت حدیث است، نه در چه کتابی! پس احادیث مهدی که به درجه صحت و به حد تواتر رسیده است هر چند در بخاری و مسلم روایت نشده باشد حجت قطعی است و شبهه مذکور بی‌اساس است.

جواب سوم: درست است که احادیث مهدی^(ع) در کتاب بخاری و مسلم تصریح نشده است اما به طور مجمل در آن دو کتاب ذکر گردیده و تفسیر آن اجمال در کتب دیگر روایت شده است.

امام بخاری در باب نزول عیسی بن مریم^(ع) بسند خود از ابوهریره^(رض) به این لفظ نقل می‌کند: «حَدَّثَنَا ابْنُ بَكِيرٍ حَدَّثَنَا اللَّيْثُ عَنْ يَوْسُفَ بْنِ شِهَابٍ عَنْ نَافِعِ مَوْلَى أَبِي قَتَادَةَ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّ أَبَا هُرَيْرَةَ^(رض) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ^(ص) كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فَيَكُمُ وَاِمَامِكُمْ مِنْكُمْ تَابِعَهُ عَقِيلٌ وَالْأَوْزَاعِيُّ^{١٠}» رسول‌الله^(ص) فرمودند: چگونه‌اید آن‌گاه که فرزند مریم در میان شما فرود آید و امامتان از خودتان خواهد بود.

امام مسلم در «صحیح» خود حدیث ابوهریره^(رض) را به سه لفظ آورده و حدیث جابر بن عبدالله نیز اضافه بر بخاری آورده است.

نقل حدیث ابوهریره^(رض) در «صحیح مسلم» به این لفظ است: «حَدَّثَنِي حَرْمَلَةُ بِنُ يَحْيَى أَخْبَرَنَا ابْنُ وَهَبٍ، أَخْبَرَنِي يُونُسُ عَنْ ابْنِ شِهَابٍ قَالَ أَخْبَرَنِي نَافِعُ مَوْلَى أَبِي قَتَادَةَ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّ أَبَا هُرَيْرَةَ^(رض) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ^(ص) كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فَيَكُمُ وَاِمَامِكُمْ مِنْكُمْ»^{١١}

به همان لفظی که در بخاری آمده است؛ و حدیث جابر به لفظ «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ^(ص) يَقُولُ لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَيَّ الْحَقَّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ فَيَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ^(ع) فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ تَعَالَى صَلِّ بِنَا فَيَقُولُ أَلَا إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أَمْرَاءُ تَكْرَمَةَ اللَّهِ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ»^{١٢}

جابر می‌گوید: از رسول‌الله^(ص) شنیدم که فرمودند: همیشه گروهی از امت بر حق پیکار می‌کنند و تا روز قیامت پیروزند، و فرمود: عیسی بن مریم^(ع) فرود می‌آید پس امیر آنان می‌گوید: بیا و برای ما نماز بگزار، عیسی می‌گوید! نه، گروهی از شما بر گروه دیگر امیر خواهد بود که خداوند این امت را گرامی داشته است.

این نمونه‌هایی از احادیث مهدی است که به طور مجمل در صحیحین آمده

و تفسیر و تفصیل آن‌ها در کتاب‌های معتبر دیگر ذکر گردیده است که به حدّ تواتر رسیده است.

شبهه سوم: گفته‌اند: اخبار و احادیثی که در پیرامون ظهور مهدی، خروج دجال و نزول عیسی^(ع) نقل شده است، به فرض صحت و ثبوت آن‌ها بر ظاهر و حقیقت آن‌ها دلالت ندارد، بلکه قابل تأویلند و مراد از آن احادیث پیروزی حق بر باطل است! این شبهه شیخ محیی‌الدین عبدالحمید مصری در پاورقی کتاب «الحاوی للفتاوی» تألیف سیوطی در آخرین بخش کتاب به بعضی از نویسندگان نسبت داده است.^{۱۳} در پاسخ به این شبهه باید گفته شود:

۱. اصل مسلم و مقرر در تفسیر نصوص کتاب و سنت آن است که الفاظ بر ظاهر و حقیقت آن‌ها تفسیر گردد.
 ۲. زمانی با دلیل و قرینه ظاهر را تأویل می‌کنند و یا حقیقتی را به مجاز تفسیر می‌کنند که بین دو نصّ، تضادی وجود داشته باشد و امکان جمع‌بندی در بین نصوص وجود نداشته باشد. در صورتی که احادیث مهدی، نزول عیسی و خروج دجال بر واقعیتی دلالت دارد که با هیچ دلیلی تعارض ندارد.
 ۳. ذکر اوصاف حضرت مهدی و تصریح بدان در احادیث صحیح متواتر همه دلیل بر حقیقتی است انکارناپذیر و جای هیچ نوع شک و تردید و تأویل نیست.
 ۴. طرح این شبهه و شبهات دیگر نمی‌تواند با قطعیات مسلم همچون اعتقاد به ظهور مهدی مقابله کند، آن چه اصولیان می‌گویند: دلیل ظنی نمی‌تواند با دلیل قطعی معارضه داشته باشد، تا چه رسد به شبهه که دلیل به حساب نمی‌آید. با توجه به پاسخ به این شبهات سه‌گانه ممکن است شبهه دیگری در ذهن تداعی کند که گفته‌اند: ابن‌ماجه قزوینی حدیث «لَا مَهْدِيَّ إِلَّا عِيسَى» را روایت کرده است. جواب این حدیث را از قول حافظ ابن‌حجر نقل می‌کنم.
- قال حافظ فی الفتح: «قال ابوالحسن الابدی فی مناقب الشافعی: تواترت الأخبار بأن المهدی من هذه الأمه و ان عیسی یصلی خلفه. ذکر ذلك ردّاً للحدیث الذی أخرجه ابن ماجه عن انس و فیه و لا مهدی الا عیسی».^{۱۴}

«و فی صلاه عیسی خلف رجل من هذه الأمه مع کونه فی آخرالزمان و قرب قیام الساعه دلاله للصحیح من الأقوال أن الارض لا تخلو عن قائم لله



بحجه. والله اعلم».^{۱۵}

حافظ ابن حجر می‌گوید: ابوالحسن ابدی در کتاب مناقب شافعی گفته است: احادیث متواتر دلالت دارد که مهدی از امت محمد مصطفی (ص) است و آن‌که حضرت عیسی پشت سر او نماز می‌گزارد. حافظ می‌گوید این گفتار ردّ بر حدیثی است که ابن ماجه از انس روایت کرده که: به جز عیسی مهدی دیگری نیست. باز حافظ ابن حجر استنباط خود را می‌نویسد: در نماز خواندن عیسی پشت سر مردی از این امت در نزدیکی قیامت دلیل روشنی است برای قول صحیح که زمین خالی از حجّت نیست.

❁ سخن پایانی

موضوع بحث از جوانب مختلف بسیار گسترده است، افزون بر آن اهمیت موضوع کار تحقیق را دو چندان دشوار ساخته است، به همین دو علت اگر در خلاصه‌گویی، نتوانسته‌ام مطلب را به خوبی ادا کنم معذورم بدارید. نکته‌ای که قابل توجه است، تحقیقات به عمل آمده هر چند حجم مقاله را سنگین نساخته اما نتیجه یک بحث علمی گسترده است که در کنار اهمیت موضوع، با احتیاط لازم به مطالعه و تحقیق آن پرداخته‌ام، و مهم‌ترین نتایج تحقیقاتی بدست آمده را به عنوان سخن پایانی در ۱۴ بند خلاصه می‌کنم:

۱. «انتظار و ظهور مهدی» از باورهای اهل سنت و جماعت و ایمان به غیب است.
۲. مهدی در نگاه اهل سنت، همانا محمد بن عبدالله و از ذریه امام حسن مجتبی (ع) است.
۳. احادیث مربوط به مهدی متواتر و دلالت آن قطعی است.
۴. هر نوع شک، شبهه، تردید، تأویل در احادیث متواتر مهدی، از قطعیت آن نمی‌کاهد.
۵. تکذیب احادیث متواتر در شأن مهدی، فسق و خروج از صراط مستقیم و بیراهه‌ای است که خطر ایمانی در بر دارد.
۶. کثرت مؤلفات درباره مهدی، پاسخ به شبهات مخالفین در هر عصر از اعصار اسلام دفاع از معتقدات اسلامی است که با ایراد شبهات اعتقاد مسلمانان متزلزل نخواهد گشت.

۷. توصیه و سفارش اینجانب به طلاب علوم دینی این است که در این زمینه مطالعات و تحقیقات وسیعی داشته باشند و بدون تحقیق قضاوت و اظهار نظر نفرمایند.
۸. شیعه و سنی بر اساس باورهای اعتقادی خود، نسبت به نظریه مخالف خود احترام بگذارند.
۹. مشارکت هر سنی در مقاله‌نویسی، تألیف در پیرامون حضرت مهدی، پذیرفتن دعوت و حضور در مجلس ویژه نیمه شعبان، به معنای تنازل از عقیده خود نیست، بلکه بر اساس تقارب، سبب همدلی و صمیمیت بیشتر بین دو برادر مسلمان خواهد گردید.
۱۰. اصل «مهدویت» مورد اتفاق شیعه و سنی است، هر چند در جزئیات اختلاف نظر دارند.
۱۱. ظهور مهدی^(ع) پیش از نزول عیسی بن مریم است و با همکاری یکدیگر به جنگ دجال می‌روند.
۱۲. عیسی بن مریم پشت سر مهدی نماز می‌گذارد و عامل به شریعت اسلام است.
۱۳. حضرت مهدی^(ع) از دیدگاه اهل سنت معصوم نیست، بلکه شخص صالحی است که شایستگی انقلاب جهانی را دارد.
۱۴. ظهور مهدی^(ع) از نشانه‌های بزرگ قیامت و رحمتی از جانب خداوند متعال بر امت اسلامی است که به واسطه او بساط ظلم و جور برچیده می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت:

۱. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۳.
۲. عون‌المعبود، شرح سنن ابی‌داود، ج ۱۱ ص ۳۶۹ شماره حدیث ۴۲۶۳-۴۲۶۲.
۳. ندای اسلام، دارالعلوم زاهدان، شماره ۱۸ ص ۱۵، به نقل از منهاج‌السنه، ج ۴ ص ۲۱۱.
۴. ندای اسلام، دارالعلوم زاهدان، شماره ۱۸ ص ۱۷.
۵. ندای اسلام، دارالعلوم زاهدان، شماره ۱۸ ص ۱۷.
۶. مقدمه ابن‌خلدون عربی، ص ۲۱۸.
۷. شرح نهج‌البلاغه، ج ۲ ص ۵۳۵.
۸. هدی‌الساری، ص ۷.
۹. نووی، شرح صحیح مسلم، ج ۱ ص ۲۴.
۱۰. فتح‌الباری، ج ۶ ص ۴۹۱ شماره حدیث ۳۴۴۹.
۱۱. شرح صحیح مسلم، ج ۱ جزء ۲ صص ۱۹۳-۱۹۲.
۱۲. شرح صحیح مسلم، ج ۱ جزء ۲ صص ۱۹۴-۱۹۳.
۱۳. العرف‌الوردی فی اخبارالمهدی، ص ۱۶۶.
۱۴. فتح‌الباری، ج ۶ صص ۴۹۴-۴۹۳.
۱۵. فتح‌الباری، ج ۶ ص ۴۹۴.

